روی خط خبر

تقدیر از ۳ چهره سینمایی در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر

● **گروه هنر:** اکبر عبدی امسال در اختتامیه سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر تقدیر خواهد شد، اما این‌بار نه برای نقش‌آفرینی در فیلمی خاص، بلکه امسال قرعه به نام اوست تا به پاس فعالیت‌های هنری‌اش تقدیر شود. عبدی پیش از این دوبار در برابر چشمان اهالی سینما سیمرغ جشنواره فیلم فجر را دریافت کرد؛ نخستین‌بار زمانی که هیئت داوران در هشتمین جشنواره فیلم فجر نقش‌آفرینی درخشان او را در فیلم «مادر» زنده‌یاد علی حاتمی دیدند و دیگربار زمانی که با شمایلی متفاوت‌تر در فیلمی از رضا عطاران بازی کرد و سیمرغ بلورین را به خانه‌اش برد؛ سیمرغی که برای خودش هم از جهاتی جالب‌توجه بود، چراکه نمی‌دانست اساسا این جایزه را برای بهترین بازیگر نقش مرد دریافت می‌کند یا به‌خاطر بازی در شمایلی زنانه. هرچند این نخستین‌بار نبود که عبدی بازی در گریمی زنانه را تجربه می‌کرد و در این میان نمی‌توان خاطره بازی تماشایی او را در فیلم «آدم‌برفی» داوود میرباقری و «خواب‌زده‌ها»ی فریدون جیرانی فراموش کرد.

بااین‌حال بازیگر کهنه‌کار سینما، تلویزیون و تئاتر که چندسالی است نامش با حواشی متعدد گره خورده، کم‌کارتر از سابق نشان می‌دهد، اما هنوز علاقه‌مندی‌اش به تجربه‌کردن را از دست نداده است.

شاید در این میان بد نیست به فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» اشاره کرد که عبدی نقش کوچکی درآن ایفا کرده است و شاید اگر فیلم به اکران راهی داشت یا در جشنواره سی‌وششم دیده می‌شد، نقش متفاوت‌تری از او می‌دیدیم. بااین‌حال امسال می‌توان تازه‌ترین نقش‌آفرینی او را در «سوءتفاهم» احمدرضا معتمدی دید.

منوچهر اسماعیلی دیگر چهره‌ای است که امسال در جشنواره فیلم فجر تقدیر خواهد شد؛ گوینده و صداپیشه ۷۸ ساله و یکی از پرافتخارترین صداپیشه‌های ایرانی. اسماعیلی مدیریت ارشد دوبلاژ بیش از ۲۰۰ فیلم سینمایی و تلویزیونی، سریال‌های تلویزیونی و برنامه‌های رادیویی و ایفای نقش به‌عنوان دوبلور و گوینده در بیش از هزارو ۵۰۰ اثر و بازیگری در فیلم‌های سینمایی را در کارنامه دارد و تدریس فنون و تکنیک‌های گویندگی و مدیریت دوبلاژ و سرپرستی انجمن و رئیس صنف گویندگان ایران نیز در کارنامه‌اش به چشم می‌خورد.

«گریگوری پک»، «چارلتن هستن»، «لارنس الیویه»، «سیدنی پوآتیه»، «لارنس هاروی»، «رد استایگر»، «جیمز کاگنی» و «مارچلو ماسترویانی» را از نقش‌های ماندگار او در دوبله می‌دانند، اما بدون‌تردید در کنار اینها باید گویندگی او به‌جای شخصیت‌های متعدد در بسیاری از فیلم‌های سینمایی را از برجستگی‌های کار او دانست، همچنان‌که در فیلم «مادر» زنده‌یاد علی حاتمی به‌جای چهار شخصیت (با بازی محمدعلی کشاورز، اکبر عبدی، جمشید هاشم‌پور و محمود بصیری) صحبت کرد.

محمدعلی نجفی سومین چهره‌ای است که تقدیر خواهد شد. او امسال با تهیه‌کنندگی فیلمی به نام «گرگ بازی» در این دوره از جشنواره فیلم فجر حضور داشت که در نهایت این فیلم در میان گزینه‌های نهایی فیلم‌های منتخب جشنواره قرار نگرفت. نجفی در فیلم‌هایی مانند طپش، قرمز، شیدا و دیگری مشاور هنری یا طراح صحنه و لباس بوده و به‌عنوان بازیگر در فیلم‌های آنسوی مه، زمین آسمانی و از دوردست و دو مجموعه تلویزیونی «معمای شاه» و «در چشم باد» بازی کرده و علاوه‌بر چند فیلم خودش، در چند اثر سینمایی به‌عنوان تهیه‌کننده فعالیت داشته است.

به بهانه اجرای نمایش «آبی مایل به صورتی»، به کارگردانی ساناز بیان

هجوم بی‌رحمانه حقایق یک تابو

علی علیخانی: تفاوت جنس و جنسیت در این است که جنس، آن چیزی است که می‌بینید و جنسیت آن چیزی است که شما احساس می‌کنید. هماهنگی بین این دو یک اصل مهم در آرامش انسان‌هاست.
(هری بنجامین - غددشناس و سکسولوژیست آلمانی)

مقدمه:

موضوع نمایش «آبی مایل به صورتی» به کارگردانی ساناز بیان به موضوعاتی می‌پردازد که شامل موارد زیر است:

تراجنسی (Transsexual): به افرادی گفته می‌شود که دارای هویت جنسیتی متناقض هستند (نقش‌های شهرزاد، امیر، مریم ملک‌آرا و... در نمایش).

دگرجنس‌پوشی (Transvestism): به افرادی اطلاق می‌شود که در لباس جنسی مخالف زندگی می‌کنند و رفتار جنس مخالف را تقلید می‌کنند. (در نمایش شخصیت مجید این رفتار را از خود بروز می‌دهد).

خارج از جنسیت یا جنسیت عجیب (Genderqueer): به افرادی گفته می‌شود که جنسیت عادی ندارند (نقشی که بهنام شرفی به زیبایی در قامت آن ظاهر شد).

دوجنسی (Androgyny): ترکیبی از خصوصیات نرینگی و زنانگی در یک فرد است.

دوجنسیتی (Bigender): افرادی را توصیف می‌کند که رفتار اجتماعی بین زنانه و مردانه دارند.

تفاوت دوجنسیتی‌ها و آندروجینی در این است که دوجنسیتی‌ها بین رفتار مردانه و زنانه حرکت می‌کنند؛ یعنی گاهی رفتار مردانه و گاهی رفتار زنانه انجام می‌دهند، گاهی با صدای زنانه و گاهی با صدای مردانه صحبت می‌کنند و... ، اما در آندروجینی فرد رفتار زنانه و مردانه را هم‌زمان با هم انجام می‌دهد. درواقع دوجنسیتی‌ها در یک لحظه به‌طور کامل زنانه یا مردانه رفتار می‌کنند، اما یک آندروجینی در یک لحظه ترکیبی از رفتار مردانه یا زنانه را دارد.همان‌طور که مشاهده شد، نمایش به قسمتی از جامعه دگرباشی اشاره دارد و پوشش‌دادن تمامی این جامعه مجالی بزرگ‌تر از یک نمایش را می‌طلبد.

ماهیت و خاستگاه اجتماعی موضوع نمایش:

با توجه به مقدمه ذکرشده، پرداختن به موضوعی که به مشکلات اقلیت‌های جامعه می‌پردازد، جسارت زیادی می‌طلبد و قابل‌تقدیر است. اقلیت‌ها همیشه در انزوا قرار گرفته و تریبونی برای بیان مشکلات و مسائل پیچیده زندگی خود ندارند. چه تریبونی بهتر و تاثیرگذارتر از هنر و چه میکروفونی رساتر از بیان نمایشی موضوع.

خارج از شهامت نویسنده و کارگردان اثر در پرداخت موضوع نابی مانند مشکلات تراجنسیتی‌ها، نکته دیگری نیز در این نمایش قابل‌تأمل است. اینکه خود ما قبل از این نمایش چه نگاهی به تراجنسیتی‌ها داشتیم؟ چقدر آنها را قضاوت کردیم؟ چقدر آنها را مورد تمسخر و استهزا قرار دادیم؟ چقدر دغدغه‌ها و مشکلات این قشر را دیده و رنج آنها را لمس کرده بودیم؟ غافل از اینکه فرزند هرکدام از ما می‌تواند تراجنسیتی باشد، ما حتی به این موضوع فکر کرده بودیم؟

در تحلیل جامعه‌شناختی، موضوع تراجنسیتی از موارد معدودی است که فقه شیعی از بدنه فرهنگی، اجتماعی پیشروتر بوده و توانسته موضوعی را که کماکان، تابوهای اجتماعی و مگوهای جامعه است، به صورتی منطقی تبیین کند، بنابراین شاهد آن هستیم که تراجنسیت به موضوعی بدل می‌شود که باوجود مشروعیت، از عدم مقبولیت آزار دیده و رنجور است.

امید است این نمایش و پرداخت‌های دیگر هنری به موضوع دگرجنسیت‌ها، این تابوی اجتماعی را شکسته و درک جامعه را درخصوص نحوه برخورد با این اقلیت اجتماعی بالا ببرد.

تحلیل و بررسی نمایش:

با مطالب عنوان‌شده، ما با نمایشی اجتماعی و واقع‌گرا روبه‌رو هستیم. داستان‌های عنوان‌شده در آن یا به صورت کامل یا تا حدود زیادی واقعی هستند. به‌همین‌خاطر «آبی مایل به صورتی» نمایشی مستندگونه با قالب عمده تک‌گویی بازیگران است. عنصر تک‌گویی و مستند به جنبه‌های مینی‌مال نمایش کمک کرده و با دکوری فوق‌العاده ساده مواجه هستیم. پلکانی که بازیگران روی آن مونولوگ‌های خود را ادا می‌کنند، جنبه تمثیلی به خود گرفته و به مخاطب یادآور می‌شود اقلیت تراجنسیتی در طبقات مختلف جامعه و مناطق مختلف جغرافیایی حضور داشته و اختصاص به بخش یا حوزه خاصی ندارند.

در نمایش «آبی مایل به صورتی» ما با شهرزادی روبه‌رو هستیم که قصه‌گوی آشنای ما نیست. خود شهرزاد قصه‌گو نیست و اطرافیان راوی داستان‌ها هستند، چون خود شهرزاد اصلا در نمایش نیست و قصه‌ها، قصه‌های آشنا و خواب‌آور همیشه شنیده‌شده تاریخ اجتماعی ما نیستند.

نمایش هرچند در تحریک احساسات بیننده موفق عمل می‌کند و مخاطب را با خود همراه می‌کند، اما گاهی بی‌رحمانه تلخ‌کامی و ناراحتی از اوضاع ناخوشایند موضوع را به تماشاچی تزریق می‌کند. روال بی‌توقف و هجوم همه‌جانبه داستان‌های تأسف‌آور و غمگین بعد از مدتی دریچه تعقل و تأمل را در مخاطب بسته و فقط شور احساسات همذات‌پندارانه را طلب می‌کند؛ عنصری که در حالت مطلوب موجب همراهی بیننده با اثر شده و در مواقعی باعث پس‌زدن اثر و عقب‌نشینی بیننده از رویارویی با حقایق می‌شود.

بنابراین به نظر می‌رسد عدم رعایت اعتدال در نمایش بی‌وقفه تلخ‌کامی‌ها و مصیبت‌ها، راه را برای بروز احساسات دیگر از قبیل خنده، هیجان و کنجکاوی، عصبانیت یا ترس، بسته و در طول نمایش کسالت‌بار می‌شود.

ازهمین‌رو تماشاگران به مونولوگ‌های کم‌اثر و غیرکمیک هم در جهت فرار از موقعیت بیش از حد تراژیک داستان می‌خندند. بنابراین به‌لحاظ ساختاری شاید بهتر بود کارگردان (ساناز بیان) از بیان متوالی حوادث تلخ خودداری کرده و پس از هر ترسیم تراژیکی، یک موقعیت آرام‌تر و ملیح‌تر را قرار می‌داد تا علاوه‌بر خشونت‌زدایی از اثر تراژیک، جا برای تعقل به موقعیت‌های تلخ نمایش در فضاهای آرام‌تر و ساده‌تر برای مخاطب ایجاد شود.

موضوع جامعه تراجنسیتی به خودی‌خود دارای اهمیت و جذابیت بالایی است، بنابراین افزودن موقعیت‌های داستانی دیگر از قبیل تن‌فروشی، کودکان کار، خیانت‌های زناشویی و... نه‌تنها باعث عمق‌بخشیدن به داستان اصلی نمی‌شود، بلکه موضوعات دیگر را هم سطحی کرده و در حد کلیشه نگه می‌دارد.

یک اثر هنری تعهدی ندارد که در دو ساعت تمامی مشکلات جامعه را بیان کند که اگر به این دام بیفتد، جز شعاری‌بودن و سطحی‌نگری به هیچ‌چیز دیگری معنا و مفهوم نبخشیده است. حضور سرد و جداافتاده از حس خانم بیان، جز تأکید بر مستندبودن داستان‌ها که خود نمایش مؤید آن است هیچ کمکی به اثر نمی‌کند و کالبدشکافی بیشتر این حضور، شاید خاطر مخاطب را بیش از پیش از ژست مددکار اجتماعی کارگردان مکدر کند.

گفت‌وگو با ساناز بیان، کارگردان «آبی مایل به صورتی»

رنج‌ها نویدبخش آگاهی‌اند

عسل عباسیان: نمایش مستند «آبی مایل به صورتی»، اثری از ساناز بیان با هنرنمایی نسیم ادبی، آناهیتا اقبال‌نژاد، ملیکا پارسا، عاطفه رضوی، امید سلیمی، بهنام شرفی، محمدهادی عطایی، گیتی قاسمی و امین میری، ماجرای افرادی است که در اقلیت‌اند و در جامعه به‌رسمیت شناخته نمی‌شوند. ماجرای اقلیت‌های جنسیتی که در این نمایش مستند روایت شده، با تحقیقات میدانی بیان شکل گرفته است و بیان برای ساخت آن با بیش از ۸۰ نفر از افرادی که در اقلیت‌اند مصاحبه کرده است. با او به بهانه این اجرا که مدتی است در تماشاخانه پالیز روی صحنه است، گفت‌وگو کردم.

چرا دغدغه‌های اجتماعی در آثار شما تداوم دارد و ترجیح‌تان ساخت تئاتر مستند است؟

به‌هرحال بخشی از انتخاب‌های افراد را دلایل شخصی و سلیقه‌شان می‌سازد. نیچه حرفی می‌زند که همیشه برای من خیلی پررنگ بوده: «درد دریچه‌ای رو به آگاهی است». همان طور که لذت میل به ماندن ایجاب می‌کند رنج هم میل به جابه‌جاشدن به سمت آگاهی را باز کند و برای من همیشه رنج‌ها نویدبخش آگاهی‌اند.

در ادامه ساخت تئاترهای اجتماعی چه شد که به این مسئله رسیدید؟

بحث نمایش «آبی مایل به صورتی» بحث اقلیت‌بودن است. پوست ما نخستین مرز ما در برخورد با جهان است. وقتی پوست زخمی برمی‌دارد ما را هراس دربرمی‌گیرد. مسئله اقلیت‌های جنسیتی یکی از همان زخم‌هاست و شخصیت‌های این نمایش دریچه‌ای برای ورود به قصه بودند و قصه‌شان نهایتا به مسئله اهمیت جنسیت در جامعه امروز پرداخته است. علت انتخاب این موضوع برای من دلایل شخصی دیگری دارد و آن این است که مادر روزنامه‌نگارم گزارشی در دهه ۷۰ منتشر کرده بود با همین موضوع و من از آن زمان با این مسئله درگیر شدم و در نمایش هم اشاره‌ای به آن دوران و آن گزارش مادرم دارم.

در نمایش «آبی مایل به صورتی» از میزانسن پله‌ای استفاده کرده‌اید. این میزانسن در نمایش شما چه کاربردی دارد؟

پله مفاهیم بسیار گسترده‌ای دارد و من با حرف‌زدن از آن دایره تأویل‌پذیری‌اش را محدود می‌کنم. فروید درباره‌اش حرف زده و دیگران هم همین‌طور. ازسوی‌دیگر، پله میل به صعود را نمایان می‌کند؛ آنچه در این شخصیت‌ها بارز است. به لحاظ کارگردانی هم می‌خواستم تماشاگر در خط ارتباطی مستقیمی با بازیگران قرار بگیرد. پله به من امکان فضای سکوماننده را می‌داد که بر آن بازیگران انگار خود شاهدان داستانی هستند که حالا برای ما شرح می‌دهند. حالت ایستای پله هم برایم پررنگ و مهم بود.

بیشتر متن این نمایش مونولوگ‌هایی خطاب به خود است و دیالوگ کمتر در آن اتفاق می‌افتد. دلیل استفاده از این روش چیست؟

فضای مستندگونه و پشتوانه پژوهشی این کار، چیزی درباره کارگردانی در ذهن من شکل می‌داد که نزدیک به تجربه واقعی خودم بود. به قدری صدای این بخش از جامعه شنیده نشده و همیشه اقلیتی خاموش بوده‌اند که حالا می‌خواستم در رساترین حالت ممکن دردشان را فریاد بزنند. همان‌طورکه در یکی از بخش‌های نمایش، گیتی قاسمی می‌گوید: «ما از هر چه می‌ترسیم یا رویش خاک می‌ریزیم، دفنش می‌کنیم یا مسخره‌اش می‌کنیم تا کمتر از آن بترسیم». انتخاب این جنس مونولوگ، انتخاب رادیکالی بود که به‌کمک آن می‌خواستم این اقلیت، حرفشان را فریاد بزنند و هیچ مانعی بین آنها و تماشاگر نباشد.

> **فضای مستندگونه و پشتوانه پژوهشی این کار، چیزی درباره کارگردانی در ذهن من شکل می‌داد که نزدیک به تجربه واقعی خودم بود. به قدری صدای این بخش از جامعه شنیده نشده و همیشه اقلیتی خاموش بوده‌اند که حالا می‌خواستم در رساترین حالت ممکن دردشان را فریاد بزنند**

مابازای واقعی تحقیق‌های‌تان چه کسانی بودند و چقدر با آنچه در نمایش می‌بینیم تفاوت دارند؟

سؤال سختی است چون اینکه نهایتا چه‌چیز حقیقت است و چه‌چیز نمایش، برایم تفکیک‌پذیر نیست. هر چه می‌بینید ترکیبی از چند شخصیت است و مثلا میترا شخصیتی است که مابازای واقعی داشت که بهنام شرفی بی‌نظیر از پس آن برآمد. شخصیت امیر، ترکیبی از چند شخصیت است، شخصیت شادی هم ترکیب چند مادر است. اینجا «حقیقت»، مفهومی است که باید آن را جست. برای من همه آن آدم‌ها و بغض‌های درگلوماندەشان حقیقت دارند.

درجشنواره سی‌وششم تئاتر فجر

کنار همدیگرند این نام‌آوران متفاوت-۳

جلال تهرانی

رضا آشفته: جلال تهرانی از فرم‌گرایی از فلسفه در بسیاری از کارهایش بهره می‌برد؛ بنابراین اهل شعار و تا حدی نیز صراحت بیان نیست بلکه آنچه را باید دیده و شنیده شود، ارائه می‌کند و این دیگر به برداشت مخاطبان برمی‌گردد که چقدر از کارهایش را دنبال می‌کنند. در این سال‌ها برخی کارهایش با مخالفت و نقدهای تندی مواجه شده اما همچنان آثار درخشانی دارد که او را در صدر گزینش‌های نمایشی ایرانیان قرار می‌دهد.

محمد مساوات

محمد مساوات از جمله کارگردانان بنام دهه ۸۰ است. او یک کارگردان غیرقابل‌پیش‌بینی است و هر بار نیز شیوه متفاوتی را تجربه می‌کند و البته گاهی نیز فراتر از تجربه‌کردن. کارهایش می‌خواهد بیانگر نوعی نگاه تجربی باشد؛ اما برای او هنوز زود است که چنین ادعایی کند و همین نگاه آرمان‌گرایانه و بدون سروصدایش، راه را برای او هموار خواهد کرد تا در این مسیر پیشتازی کند؛ «این یک پیپ نیست» اثری فرم‌گرایانه است در زمینه تلفیق تکنیک‌های اجرائی تئاتر و سینما و رویکردی بسیار مدرن نسبت به آثار پلیسی، جنایی و معمایی دارد که از این منظر بسیار دیدنی است. البته تأکیدات فلسفی و نظریه‌های میشل فوکو و نقاشی رنه مگریت و سبک سوررئالش نیز ضمیمه این اتفاق ناب می‌شود و بودن و تلفیق چنین نظریه‌هایی است که خواه ناخواه چه مثبت و چه منفی نظر مخاطبانش را معطوف به خود خواهد کرد.

شهاب حسین‌پور

شهاب حسین‌پور نیز از جشنواره تئاتر دانشگاهی در دهه ۸۰ با نمایش پیشنهاد سرآشپز به تئاتر حرفه‌ای شناسانده شد و پس از آن نمایش‌های بیوه‌های غمگین سالار جنگ، طپانچه خانوم و یک زندگی بهتر را بارها به صحنه آورده و هر بار نیز موفق بوده است. او این‌بار هم «پیشنهاد سرآشپز» را با یک نگاه متفاوت در جشنواره اجرا می‌کند که بیانگر نگاه دقیقش به جهان اساطیر ایرانی و ضحاک خواهد بود.

رضا ثروتی

رضا ثروتی از میانه دهه ۸۰ در تئاتر ایران فعال بوده و در جشنواره تئاتر فجر نیز برنده چند جایزه بوده است. او با سه نمایش مکبث، عجایب‌المخلوقات و ویتسک بسیار مطرح شد. پس از آن «فهرست» را اجرا کرد که این نمایش بیشتر دچار حواشی شد تا اینکه اصل مطلب یا خود اجرا مطرح باشد.

اشکان خیل‌نژاد

اشکان خیل‌نژاد نیز از آغاز دهه ۹۰ با نمایش بالاخره «این تن مال کیه؟» با بازی نوید محمدزاده مطرح شد و پس از آن نیز نمایش‌های مطرح دیگری مانند پچپچه‌های پشت خط نبرد و پسران تاریخ را به صحنه آورده است. هنگامی که او متفکرانه و اجتماعی‌نگرانه تئاتر تولید می‌کند، موفقیت بهتری را به دست می‌آورد و فرقی هم نمی‌کند که متن مورد گزینشش ایرانی مثل پچپچه‌های پشت خط نبرد و خارجی مثل پسران تاریخ باشد. هرچند در اولی رئالیسم و در دومی ضدرئالیسم و فرم متکی به بیومکانیک میرهولد تجربه شده باشد.

نگاه

بزرگداشت عباس کیارستمی در بلژیک برگزار می‌شود

● بزرگداشت زنده‌یاد عباس کیارستمی با نمایش دو فیلم از این هنرمند در بروکسل بلژیک برگزار می‌شود. برنامه بزرگداشت زنده‌یاد عباس کیارستمی با نمایش فیلم‌های «۲۴ فریم» و «منو خونه ببر»، از ساخته‌های این هنرمند فقید و نیز فیلم «۷۶ دقیقه‌و ۱۵ثانیه با عباس کیارستمی»، ساخته سیف‌الله صمدیان در روزهای ۲۶ دی و ۵ بهمن، برابر با ۱۶ و ۲۵ ژانویه در مرکز هنرهای زیبای بروکسل در کشور بلژیک برگزار می‌شود. انیس دو ویکتور، کارشناس سینمای ایران و همسرش، ژان میشل فرودون، به معرفی این فیلم‌ها می‌پردازند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت پایانه‌های نفتی ایران

آگهی تجدید فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران
(مناقصه شماره DD/۱۴/۹۴)
نوبت اول
تجدید مناقصه

شرکت پایانه های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد **۲۲۳ قلم قطعه یدکی موتورهای دریایی YANMAR** را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی (دو مرحله ای) از تامین کنندگان واجد شرایط خریداری نماید.

۱ – موضوع مناقصه: خرید ۲۲۳ قلم قطعه یدکی موتور دریایی YANMAR به شرح ومشخصات فنی‌مندرج دراسناد مناقصه .

۲ – نام و نشانی مناقصه گزار: (شرکت پایانه های نفتی ایران) به نشانی تهران - پاسداران - بالاتر از برج سفید - نیستان هفتم - کوچه شهید حجت سوری - پلاک ۱۱ - طبقه همکف -دفتر کمیسیون مناقصات

۳– برآورد مناقصه : ۷/۸۸۵/۲۰۰/۰۰۰ (هفت میلیارد و هشتصد و هشتاد و پنج میلیون و دویست هزار) ریال

۴ – معیارهای ارزیابی کیفی مناقصه گران :

۱ -توان مالی: ۳۰امتیاز (حسب ماده۲۵ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۴ -استانداردهای تولید: ۱۵امتیاز
۲ -ارزیابی مشتریان قبلی و حسن شهرت: ۵ امتیاز (حسب ماده۲۶ آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات)	۵ - داشتن تجربه و دانش در زمینه مورد نظر: ۲۵ امتیاز
۳ - تضمین کیفیت خدمات و محصولات: ۱۵ امتیاز	۶ - حسن سابقه: ۱۰ امتیاز
حداقل امتیاز کیفی قابل قبول برابر با ۶۰ می باشد.	

۵ – تاریخ، مهلت و نشانی دریافت و تحویل استعلام ها و مدارک ارزشیابی

۵-۱ - مناقصه گران می توانند از تاریخ انتشار آگهی دوم به مدت ۱۴ روز با مراجعه به سایت www.iotco.ir فرمهای استعلام ارزیابی کیفی را دریافت و پس از تکمیل به همراه سایر اسناد ، مدارک و مستندات به صورت یک فایل PDF شده بر روی یک لوح فشرده CD در موعد مقرر به نشانی مناقصه گزار در بند «۲» تحویل نمایند.

۵-۲ - مناقصه گران باید مدارک تکمیل شده ارزیابی کیفی را حداکثر تا ساعت۱۶ آخرین روز انقضای ۱۴ روز پس از انتشارآگهی نوبت دوم به کمیته فنی بازرگانی تحویل دهند.

۵-۳ - پس از بررسی فرم های ارزشیابی و مدارک دریافتی، اسناد مناقصه به مناقصه گران واجد شرایط تحویل داده خواهد شد.

۵-۴ - به مدارکی که به صورت ناقص ارایه گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۵-۵ - مناقصه گزار در قبول و یا رد مدارک مناقصه گران در تمام مراحل اختیار تام خواهد داشت.

۶ – شرایط مناقصه گران

۶-۱ - داشتن تجربه، سابقه کار مفید، داشتن تجهیزات، امکانات، تخصص لازم، توانایی فنی و مالی جهت انجام کار مرتبط با خدمات موضوع مناقصه مطابق استانداردهای رایج صنعت نفت

۶-۲ - توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ **۳۹۵/۰۰۰/۰۰۰ (سیصد و نود و پنج میلیون) ریال** و همچنین تضمین حسن انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ۱۰٪ نرخ پیشنهادی برنده مناقصه جهت یک سال خورشیدی **حسب آیین نامه تضمین معاملات دولتی شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ مصوب هیات محترم وزیران**

ضمانتنامه های صادره می بایست مطابق فرمت های نمونه پیوست آیین نامه مذکور ارایه گردد لذا این شرکت از پذیرش ضمانتنامه هایی که فاقد شرایط مذکور می باشد معذور بوده و هیچگونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص نخواهد داشت .

۶ - ۳ - ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی

۶ - ۴ - ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان امضاء مجاز

مناقصه گران جهت رویت فراخوان می توانند به سایتهای ذیل مراجعه نمایند .

www.shana.ir WWW.IOTCO.IR

شماره مجوز ۱۳۹۶/۴۸۶۳ روابط عمومی